



۲. «وعن ياسر الخادم، عن الرضا (عليه السلام) قال : سألته عن الميسر ؟ قال : الثفل من كل شيء، قال : الخبز والثفل ما يخرج بين المتراهنين من الدراهم وغيره.»^۱
ما می‌گوییم:

۱. روایت از تفسیر عیاشی است و سند ندارد
۲. در تفسیر عیاشی به جای «تفل»، کلمه «ثقل» ضبط شده است.^۲
۳. «ثقل» به معنای هر چیز نفیس است و «ثقل» به معنای افزایش دو چیز نسبت به هم است. ثقل هم به معنای دفائن زمین است. در حاشیه بحار الانوار احتمال داده شده است که این لغت تصحیف «شتل» باشد و آن را «ما تقومر علیه، ثم اعطی شطر منه خراجاً لرئيسهم و مفتيهم»^۳
۴. ظاهراً یاسر خادم خود این کلمه را تعریف کرده است که عبارت است از درهم و چیزهایی دیگر که بین شرط کنندگان رد و بدل می‌شود. اما در بحار عبارت چنین است: «قال الحسين: الثقل ما يخرج بين...» که ممکن است این عبارت از عیاشی باشد و مراد از حسین هم یکی از مشایخ عیاشی (حسین بن اشکیب ابو عبد الله) باشد.
با توجه به این نکته (ورود کلمه «الحسین» در تفسیر عیاشی و نبودن آن در متن وسائل و همچنین نبودن کلمه «الخبز» در تفسیر عیاشی و بی معنی بودن این کلمه) می‌توان گفت «الخبز» تصحیف «الحسین» است.
۵. روایت دلالتی مستقیم بر حرمت «رهان» ندارد، بلکه در مقام تبیین این کلمه است. ولی به قرینه اینکه این کلمه در تبیین «میسر» به کار رفته است، می‌توان حکم میسر را در مورد مطلق «رهان» ثابت دانست.
إن قلت: با توجه به اینکه در معنای کلمه «میسر»، «لعب» نهفته است، می‌توان گفت که مراد از «متراهنین» در روایت «بازیگران همراه با رهان» است.
قلت: ممکن است روایت را چنین معنی کنیم که در مقام توسعه در مفهوم «میسر» است و حکم آن در مورد هر نوع «مراهنه» ثابت می‌داند.

۱. وسائل الشیعة ط-آل البیت، ج ۱۷، ص ۱۶۷

۲. ج ۱، ص ۳۴۱

۳. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۳۶



۶. البته در هر صورت روایت به سبب احتمال های متعدد، قابل تمسک نیست و مجمل است.

۳. «وعن علی بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن حفص بن البختری ، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه كان يحضر الرمی والرهان»^۱

ما می گوئیم:

با توجه به آنچه در معنای رهان گفتیم می توان گفت این روایت مشعر به حضور امام در «مسابقات سوارکاری همراه با رهان» است.^۲

۴. «محمد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمد بن عیسی ، عن محمد بن موسی ، عن أحمد بن الحسن ، عن أبيه ، عن علی بن عقبة ، عن موسی بن النمیری ، عن العلاء بن سیابة ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : سمعته يقول: لا بأس بشهادة الذي يلعب بالحمام ، ولا بأس بشهادة المراهن عليه ، فإن رسول الله صلى الله عليه وآله قد أجرى الخيل وسابق وكان يقول : إن الملائكة تحضر الرهان في الخف والحافر والريش وما سوى ذلك فهو قمار حرام»^۳

ما می گوئیم:

۱. سند روایت به سبب محمد بن موسی بن عیسی همدانی تضعیف شده است (او را علامه و ابن غضائری

هم تضعیف کرده اند و هم رمی به غلو کرده اند و ابن ولید می گوید که او جعل حدیث می کرده است)^۴

۲. عدم حضور ملائکه در «رهان» (و یا «دوری از رهان» که در روایات دیگر مطرح شده است)، فی حد نفسه ملازمه ای با حرمت ندارد، بلکه ظهور در استحباب عملی دارد که ملائکه در آن حاضر می شوند و ظهور در کراهت عملی دارد که ملائکه از آن دوری می کنند.

این مطلب را به سخن مرحوم سبزواری در کفایة ضمیمه کنید که تعبیر «لا سبق الا فی...» را دال بر فضیلت مسابقات در این موارد و عدم فضیلت مسابقات در سایر موارد می دانست.^۵

۳. اما در این روایت، به قرینه «ما سوی ذلک قمار حرام»، حرمت «رهان در غیر موارد خاص» استفاده می شود.

۱. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۹، ص ۲۵۲

۲. ن ک: المحيط فی اللغة، ج ۳، ص ۴۷۴

۳. وسائل الشیعة ط-آل البيت، ج ۱۹، ص ۲۵۳

۴. الخلاصه، ص ۲۵۵؛ رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۵

۵. کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۷۱۸

ولی این در صورتی است که «ذلک» را به «رهان در خف و حافر و ...» برگردانیم و بگوییم «ما سوی ذلک» یعنی «هرچه غیر از رهان در این موارد» است حرام است و بگوییم مراد تحریم «مطلق رهان» است.

ولی اگر بگوییم مراد از «هرچه غیر از رهان در این موارد»، مسابقات همراه با رهن است (چرا که لفظ قمار یعنی «لعب با رهان» و «ما سوی ذلک قمار» یعنی «ما سوی»هایی که مسابقه است)، روایت فقط مسابقات رهانی را تحریم می کند.

و همچنین است اگر ذلک را به «خف و حافر و ریش» برگردانیم و بگوییم روایت می گوید «غیر از این ها، قمار حرام است»، که در این صورت یعنی هر نوع مسابقه‌ای (حتی اگر رهان نداشته باشد) حرام است (و البته این احتمال بعید است به خصوص با توجه به مفرد بودن ذلک)

۴. اما حمل «ما سوی ذلک»، بر «مطلق رهان در غیر موارد منصوصه» (و نه مسابقات مع الرهان) خلاف ظاهر است.

